



الگوهای روایت در مستند «تهران انار ندارد»

بهره‌گیری از تضاد و تناقض نمایی

مازیا فکری ارشاد



جعفر و گلنار فیلم دختر لر که به روایت‌های مغشوش و گاه متضاد جعفر آقا از شهر تهران پیوند می‌خورد. داستان تضادها و تناقض‌های جاری در این شهر از جمله خانه ۶۰۰ متری شمال شهر و برابر نهادنش در مقابل خانه حقیر ۲۰ متری جنوب شهر و با تناقض‌های گفتار متن با تصاویر به نمایش در آمده، همگی از این دست هستند. از جمله آنجا که درباره سطح بالای هوشیاری مردم تهران می‌شنویم، در حالی که هم‌زمان تصویر مردی را می‌بینیم که به واسطه مصرف مواد مخدر تعادل درستی ندارد. این پارادوکس‌های ایجاد شده میان نریشن و تصویر از طریق متناقض‌نمایی، عنصر روایت را در بطن فیلم پرننگ می‌کند. تکرار صحبت‌های عجیب و غریب جعفر آقا و مؤلفه تکرارشونده صدای گلنار که در فیلم دختر لر جعفر را صدا می‌زند، دنباله همین شیوه روایی است.

در متن گفتار فیلم و تدوین تصاویر نیز گونه‌های طنز و شوخ‌طبعی به چشم می‌خورد که علاوه بر ایجاد جذابیت برای مخاطب، شکلی از روایت کمیک را در پیش می‌گیرد که ذهن تماشاگر را به دنبال خود می‌کشاند. به این ترتیب مستند تهران انار ندارد با بهره‌گیری از انواع تمهیدهای روایتی، خود را در جایگاه فیلمی بذله‌گو و بشاش تثبیت می‌کند که در لایه‌ها و سطوح گوناگون با میزان‌های متفاوتی از روایت، قصه خود را بازگو کرده و پیش می‌رود.

تهران انار ندارد به گفته خود مسعود بخشی کارگردان فیلم، بسیار وامدار مستند مشهور و ستایش شده اون شب که بارون اومد ساخته کامران شیردل است؛ فیلمی که خود از بهترین نمونه‌های بهره‌گیری

از الگوهای روایتی در ساختار مستند سینمای ایران است. هر دو فیلم با مفاهیمی چون واقعیت، خیال و رمز باریک و نامشخص میان این دو بازی می‌کنند و از خلال بازی با این مفاهیم متضاد است که عنصر درام و به تبع آن روایت شکل می‌گیرد. متناقض‌نمایی مورد اشاره و بهره‌گیری از آن در روایت، در بحث سنت و مدرنیته و تضادهای آن در تهران انار ندارد مورد استفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر آن در هر دو فیلم، موضوع اصلی - که به طور غیرمستقیم در نام فیلم‌ها نیز مستتر است - پس از کوتاه مدتی به حاشیه رانده می‌شود و خرده داستان‌های دیگر، وظیفه پیش بردن فیلم و روایت را برعهده می‌گیرند. در واقع در هر دو فیلم موضوع اصلی تنها بهانه‌ای است برای طرح موضوعات به ظاهر حاشیه‌ای دیگر که با گشایش روایت اصلی و پس از دقایقی کوتاه از شروع فیلم، از حاشیه به ساحت متن نقل مکان می‌کنند.

در فیلم‌سازی مستند شیوه‌ها و روش‌های گوناگونی وجود دارد. روش‌هایی که گاه فیلم را از تعریف کلاسیک مستند محض یا مستند ناتورالیستی کاملاً دور می‌کند. تهران انار ندارد از نمونه‌های شاخص مستندهایی است که با واقعیت محض سرو کار چندانی ندارد و لایه‌های متعددی از عنصر روایت در آن به چشم می‌خورد. شاید دلیل عمده اکران عمومی فیلم در جامعه‌ای که فیلم‌های سینمایی ضد قصه و فاقد عنصر روایت را پس می‌زند - چه رسد به مستند که علی‌القاعده با ذائقه عمومی جامعه سینما روی ما هم‌خوانی ندارد - همین پرننگ بودن عنصر روایت باشد.

تهران انار ندارد در لایه اولیه ظاهراً داستان گروهی است که به سفارش مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، مشغول ساخت فیلمی مستند درباره شهر تهران هستند. این لایه از روایت با خوانش نامه‌ای از سوی کارگردان خطاب به ریاست مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی آغاز می‌شود که در آن فیلم‌ساز، دلایل متعدد عدم موفقیت گروه در ساخت فیلم مورد بحث را اعلام می‌کند. در حالی که تماشاگر شاهد راش‌هایی است که گروه فیلم‌برداری کرده و کنار هم قرار داده است. همین پارادوکس ایجاد شده میان متن و لحن نامه با تصاویر تدوین شده، نخستین گام را در روایت فیلم برمی‌دارد. سپس پرننگ روایی فیلم به چند شاخه تقسیم می‌شود و پیش می‌رود که این لایه‌ها در هم تنیده شده و ساختاری یکپارچه یافته‌اند. داستان شکل‌گیری کلان‌شهری بی‌در و پیکر به نام تهران از دل روستایی خوش آب و هوا، داستان